

موسیقی مقامی ایران

بخش دوم: خراسان - کردستان - کرمانشاهان - گیلان

■ به همت: بهمن بوستان - محمدرضا درویشی

موسیقی منطقه خراسان

بخش عمده‌ای از ساکنین شمال خراسان را مهاجرین کرد و ترک تشکیل می‌دهند. قسمتی از موسیقی شمال خراسان، موسیقی کوهپایه است. موسیقی کوهپایه توأم با فریاد است و در مقایسه با

موسیقی جلگه، قوی‌تر، رساتر و گاه تندتر است. در کنار موسیقی کوهپایه، موسیقی جلگه و دشت وجود دارد (جلگه قوچان). موسیقی جلگه معمولاً ملایم‌تر و درونی‌تر است. شعرا و عرفای این منطقه گاه زبان‌های فارسی، کردی، ترکی و عربی را برای انتقال مقاصد و احساسات خویش به کار می‌گرفتند. جعفر قلی شاید آخرین عارف و شاعر کرد شمال خراسان است که هنوز اشعاری هم سنگ شعرهای او سروده نشده است. یازده آهنگ به جعفر قلی منسوب است که خود او اصل آنها را از کسان دیگری دریافته، اما به شیوه خود درآورده است.

از آنجا که کردهای شمال خراسان همواره از مرزبانان غیور ایران زمین بوده‌اند، پاسداری از مرزو بوم در مقابل اقوام مهاجم، کشتارها، غارتها، اسارتها و آوارگیا از ویژگی‌های این گونه زندگی بوده است و این ویژگیها، تأثیر مستقیمی بر موسیقی این خطه گذاشته است:

الله مزار: آهنگی است که پس از غارت و کشتار و اسارت بر بالای مزار عزیزان از دست رفته خوانده می‌شده: الله مزاره، ای چی روزگاره...؟

دو قرسه: پس از قتل عام و کشتار، مرده‌ها را در وسط جمع می‌کردند و دور اجساد دور می‌زدند و مشغول ذکر می‌شدند و این مبداء رقص و آهنگ دو قرسه بود.

انارکی: مربوط به لحظات پس از هجوم بیگانگان و کشتار و انباشت اجساد است. زنان دور اجساد جمع می‌شدند و نار می‌زدند و گریه می‌کردند...

هرای: فریاد کوهستان است و گویای زندگی پرحادثه و پرسوز و گداز و آوارگی مردم کرد است. به طور کلی، بسیاری از آهنگهایی که در شمال خراسان

زمانی برای سوگ اجرا می‌شد، پس از گذشت سالیان دراز آرام آرام تغییر شخصیت داده، از آنها گاه به عنوان آهنگهای رقص نیز استفاده می‌شود. مثلاً «هاهای رشیدخان» که ابتدا برای سوگ بوده امروزه یک موسیقی شاد و برای رقص است.

نوازندگان شمال خراسان را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد که عبارتند از: عاشق‌ها، بخشی‌ها و لوطی‌ها، به این سه گروه می‌توان دو دسته دیگر را نیز افزود که عبارتند از: نی نوازان و لولوچی‌ها.

۱. عاشق‌ها: عاشق‌ها قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین هنرمندان این منطقه‌اند. عاشق‌ها نوازندگان سازهایی چون: سورنا، دهل، قشمه، کمانچه و دایره‌اند و هم‌چنین از رقصندگان بزرگ شمال خراسان به شمار می‌آیند. تنها مردمی که در قدیم از پرداختن مالیات معاف بوده‌اند هنرمندان بوده‌اند. چه عاشق، بخشی یا لوطی. اما تنها گروههایی که حق انتقاد داشته، مجازات نمی‌شده‌اند، عاشقها و لوطی‌ها بوده‌اند. عاشق‌ها مجری توره هستند و توره به معنی تئاتر و نمایشنامه است. توره نمایش‌های طنزآلود و انتقادی بوده است همراه با موسیقی.

۲. بخشی‌ها: بخشی‌ها نوازندگان دوتار، آوازخوان و داستانسرا بوده‌اند. شهرهای بجنورد، شیروان و قوچان، مراکز عمده بخشی‌های شمال خراسان بوده است. روایات عامیانه در تعریف عنوان بخشی براین باور است که بخشی کسی است که خداوند به او بخششی یا موهبتی عطا فرموده و او را فردی استثنایی کرده است. برطبق همین روایات،

بخشی باید بتواند بخواند، بنوازد، شعر بگوید، داستان بسراید و ساز خویش را نیز بسازد. یکی از هنرهای بخشی‌ها داستانسرایی است، همراه با موسیقی دوتار، آواز، دکلمه آواز و بیان محاوره‌ای و نقلی. بخشی می‌توانست آهنگهای رقص را تا جایی که سازش اجازه می‌داده، بنوازد، منتهی در اندرونی و در جمعی محترمانه و بسیار خودمانی.

۳. لوطی‌ها: لوطی‌ها در حکم روابط عمومی با پیام

رسانان جامعه خود بوده‌اند. وسیله آنها یک دایره بوده است. آنها نیز مانند عاشق‌ها حق انتقاد داشتند.

لوطی‌ها دائماً در حال سفر بودند و ناقلان اخبار و وقایع. وقایع و اخبار توسط آنان به صورت شعر درمی‌آمد، آهنگین می‌شد و در همه جا اجرا می‌شد.

سازهای شمال خراسان

۱. دوتار: دو تار از سازهای اندرونی محسوب، و توسط بخشی‌ها نواخته می‌شود. ظاهراً دوتار ترکمنی قدمت بیشتری نسبت به دوتار خراسانی دارد. دوتار در شمال خراسان دارای دو کوك است: یکی با نسبت چهارم و دیگری با نسبت پنجم.

بر طبق نظر آقای «علی غلامرضایی» کوك چهارم را کوك نوایی و کوك پنجم را کوك ترکی و کردی می‌نامند. و آهنگهای فارسی شمال خراسان نیز با کوك پنجم اجرا می‌شود.

آقای «محمد یگانه» معتقدند که کوكهای دوتار، یکی ترکی و دیگری کردی است. با کوك ترکی می‌توان آهنگهای گرایلی، تجنیس، شاخنا، نالش، دوست

محمد، غریب و.... و با کوك کردی آهنگهای الله مزار، لو، درنا، جعفر قلی و.... را اجرا کرد. دوتارهای قدیمی در شمال خراسان از سازهای امروزی کوچکتر

بوده‌اند. کاسه و صفحه دوتار از چوب توت و دسته آن معمولاً از چوب زردآلو ساخته می‌شود. در قدیم به جای سیم از ابریشم استفاده می‌شده. دوتار در شمال خراسان از نظر اندازه دارای استاندارد معینی نیست.

دوتارهای فعلی دارای ۱۱ و گاه ۱۲ پرده است. پرده‌های آن در فواصل نیم پرده نه چندان دقیق بسته می‌شود و فواصل کوچکتر از نیم پرده، در پرده بندی آن وجود ندارد.

۲. سورنا (پیق): سورنا نیز از خانواده سازهای برون‌ی در شمال خراسان است که توسط عاشق‌ها نواخته می‌شود. ظاهراً در قدیم سازی بزرگتر و شبیه به سورنا وجود داشته که به آن کرنا می‌گفته‌اند. این ساز امروزه دیده نمی‌شود. بعضی از قدیمی‌ها به همین سورنا، کرنا



آقای بهمن بوستان



استاد حاج حسین یگانه از قوچان (خراسان)، نوازندهٔ دوتار عین اعطای ساز دستش به فرزندش محمد یگانه

می‌گویند. از سورنا در مراسم عروسی و بیشتر برای اجرای آهنگهای رقص و نیز مراسم کشتی، با اجرای شاخه‌های «کوراعلی» و همچنین در سوگواری با اجرای آهنگهای سردارها، لو و «هرای» استفاده می‌شود. ساز کوبی همراهی کنندهٔ سورنا دهل است.

۳. قشمه: قشمه که مشابه دوزله (دونی) متداول در کردستان و کرمانشاهان است، از دیگر سازهای برونی است که توسط عاشق‌ها نواخته می‌شود. در شمال خراسان سه نوع قشمه دیده می‌شود: قشمه‌های پنج‌سوراخه، شش‌سوراخه و هفت‌سوراخه. قشمه معمولاً از استخوان بال فرغوش یا درنا و گاهی از نی و حتی از فلز ساخته می‌شود که صدای حاصله از قشمه استخوانی بهتر و پخته‌تر است.

قشمه سازی است مضاعف و اندازهٔ آن بستگی به کوچک و بزرگی استخوان پرنده دارد. بر روی هر کدام از لوله‌های صوتی آن یک سر پیکه (قمیش) سوار می‌شود. دو لولهٔ صوتی قشمه معمولاً به طور هم صدا کوک می‌شوند، اما ممکن است به ندرت شاهد کوکهای مانوس دیگری مانند کوک سوم و حتی گاه دوم باشیم. این کوکها که اغلب توسط نوازندگان زبردست قشمه استفاده می‌شود، در نظر اول ممکن است به حساب ناتوانی نوازنده در کوک کردن دقیق ساز گذشته شود؛ در حالی که استفاده از این کوکهای نامانوس کاملاً آگاهانه و برای ایجاد تحرك و کسب دینامیس بیشتر صورت می‌گیرد. همچنین نوازندگان قشمه باز به منظور ایجاد تحرك و دینامیس، گاه دو صدای مختلف و اغلب مجاور یکدیگر را توسط لوله‌های صوتی مضاعف ساز ایجاد می‌کنند.

۴. کمانچه: کمانچه نیز از جمله سازهایی است که توسط عاشقها نواخته می‌شود. کمانچه هم به عنوان سازی بیرونی و هم اندرونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از کمانچه گاه در مراسم سوگواری نیز استفاده می‌شود. کمانچه بیشتر در شمال خراسان دیده می‌شود. ردبای کمانچه تا نیشابور هم دیده شده، اما هرچه در استان خراسان پائین تر برویم با کمتر دیده می‌شود یا اصلاً دیده نمی‌شود.

کمانچه‌های خراسان دارای سه سیم است و گاه از کمانچه‌های دارای ۴ سیم نیز استفاده می‌شود. ساز ضربی همراهی کنندهٔ کمانچه، دایره یا دهلی است که

با دست نواخته می‌شود.

۵. دهل: دهل ساز همراهی کنندهٔ سورنا است، زمانی که با چوب و ترکه نواخته شود و ساز همراهی کنندهٔ قشمه و کمانچه است، زمانی که با دست نواخته شود. دهل شمال خراسان دوطرفه است و در اندازه‌های مختلف دیده می‌شود. نواختن آن نیز توسط عاشق‌ها صورت می‌گیرد.

۶. نی: نی ساز همیشگی چوپانان شمال خراسان است. نی به غیر از زمان چرای گوسفندان، در جشن‌ها، مجالس شاد و در سوگ نیز استفاده می‌شود. در شمال خراسان به وسیلهٔ نی مقام‌های مختلفی از جمله: گوسفندچرانی، فریاد کوهستان و... اجرا می‌شود.

۷. دپ (دق - دایره)

دایره، ساز همراهی کنندهٔ قشمه و کمانچه است و معمولاً توسط عاشق‌ها و در قدیم توسط لوطی‌ها نواخته می‌شده و می‌شود. دایره تنها وسیلهٔ دست لوطی‌ها بود. امروزه که نسل لوطی‌ها در شمال خراسان منقرض شده است، این ساز کماکان در دست عاشق‌ها زنده مانده است.

نوازندگان شمال خراسان

استاد حاج حسین یگانه: محمدحسین یگانه، نوازنده دو تار - بخشی، متولد ۱۲۹۷ در قوچان است. در ابتدا مدت دو سال نزد استاد محمد جوزانی که سرآمد همه دوتارنوازان منطقه بود، به تمرین پرداخت. در این دوره بود که او توانست از میراث گرانمایی که در دست محمد جوزانی از گذشته‌های دور باقی مانده بود، بهره‌ها گیرد.

بعدها حسین با بخشی‌های دیگر از جمله استاد عباسعلی زیدانلو و خان محمد قیتاغی که از نوازندگان برجسته دو تار در شمال خراسان محسوب می‌شدند، محصور شد. حسین یگانه همچنین از بهترین توحه‌خوانان و شبیه‌خوانان منطقه خود است. او در ساختن دوتار تبحر دارد و سازهای ساختهٔ او از بهترین دوتارهای موجود در شمال خراسان است. او شاگردان زیادی از جمله محمد یگانه (فرزند بزرگ او) و علی غلامرضایی آلمه جوغی تربیت کرده، میراث گرانمایی گذشتگان را به آنان منتقل ساخته است. او یکی از بهترینهاست در نواختن، خواندن، ساختن ساز و

سرودن اشعار کردی و ترکی و فارسی. برای برخی آهنگها، تکیه‌ها، زیورها و زینت‌ها، مضراب و بنجه او حاوی نکات بسیار ظریفی است که تداعی کننده زیباترین و دل‌انگیزترین مینیاتورهاست. او اکنون در پیری، از مرز چابکی هجوم مضراب و بورش در نواختن عبور کرده است. ساز او بیشتر به راز و نیاز عاشقانه و عرفانی مانند است.

علی غلامرضایی آلمه جوغی: علی در حدود ۶۰ سال پیش در روستای آلمه جوغ در بیست و پنج کیلومتری شرق قوچان متولد شد و سالهاست که افتخار شاگردی استاد یگانه را دارد و از سبک او بیرونی می‌کند. علی به کردی و ترکی می‌خواند از صدای گرم، پرشور و دلنشینی به ویژه در خواندن اشعار جعفرقلی برخوردار است. مضرابها و بنجهٔ بر قدرت او و نیز جذبه‌ای که حین خواندن ایجاد می‌کند - با حفظ ویژگیهای فردی - انسان را به یاد حسین یگانه در ۲۰ - ۳۰ سال پیش می‌اندازد. شغل اصلی علی کشاورزی و دامپروری است.

محمد یگانه: محمد فرزند ارشد استاد حسین یگانه دوتارنواز و بخشی بزرگ قوچان است. او از این موقعیت ممتاز برخوردار بود که از اوان کودکی در دامان پدر خود با موسیقی و دوتار آشنا شود. در این سالها او توانست دانش و هنر گستردهٔ پدر خویش را به خود منتقل کرده، در عین حال از شیوه و سبک دوتارنوازان دیگر بهره‌ها گیرد.

محمد یگانه دارای شیوه‌ای مخصوص به خود در نواختن دوتار است. ظرافتها و نرمشی که در ساز او وجود دارد، منحصر به خود اوست. محمد گرچه به طور مستقیم از سبک پدر خود تبعیت نمی‌کند، اما توانسته است با تکیه بر خصوصیات و ذوقیات فردی خویش همراه با احساسی زلال، دوتار را با ملایمت و نرمش ویژه‌ای اجرا کند.

محمد یگانه سالهاست که به آموزش دوتار مشغول است و حاصل آن شاگردان ممتازی است که اعضای گروه او را تشکیل داده‌اند. او همچنین دارای کارگاهی است که در آن دوتار و سه تار می‌سازد. او تاکنون در جشنواره‌های زیادی در داخل و خارج از کشور شرکت کرده است. سال گذشته او سیزده کنسرت در کشورهای مختلف اروپا داشت که همگی با

موفقیت همراه بودند.

استاد رمضان علی عزیزی عاشق کیکانلو: رمضان علی فرزند حسینقلی از ایل کیکانلو، متولد ۱۳۱۶ در روستای اوغاز مرکز ایل کیکانلو سیوکانلو است. رمضان سرنا (پیتق) را از عزیزخان عاشق (پدربزرگ مادرش) قشمه را از پدرش حسینقلی و کمانچه را از برادر همسرش نیازعلی صحراروش و امان‌الله و حسنخان ورشنی و دهل را نزد رجبعلی عاشق و عطاخان فراگرفت. رمضان درنواختن کمانچه و رقص پس از نیازعلی بی نظیر است. او از جمله معدود نوازندگان باقی مانده از خانواده عاشق هاست و یکی از بهترین آنها.

استاد نیازعلی صحراروش عاشق شوریده کیکانلو: نیازعلی فرزند رجب علی بگ، رئیس تیره عاشقهای کیکانلو، متولد ۱۳۱۲ در روستای اوغاز است دهل را از پدرش و کمانچه را از حسن خان اسپیری و امان‌الله عاشق فراگرفت. هم‌اکنون تمام عاشقهای نواحی شمال خراسان او را به بزرگی و استادی قبول دارند. تبحر نیازعلی در نواختن کمانچه و دهل چشمگیر است. نیازعلی انواع رقصهای کردی و به ویژه رقص چوبی و نمایش اسب چرمی را به بهترین شکل اجرا می‌کند.

او قطعه‌ای را اجرا کرد که موسیقی توصیفی است. ما در موسیقی مرکز این نوع موسیقی را نداریم. استادعلی خان آپشوری نوازنده قشمه: از ایل ایرانلو است. علی خان یزدانی معروف به علی آپشوری، نوازنده قشمه، فرزند علی اصغر از ایل ایرانلو و متولد ۱۳۱۰ در روستای آپشور بجنورد است. علی اصلاً «عاشق» نیست بلکه به واسطه علاقه زیاد به فراگیری این ساز پرداخت. صدای قشمه علی آپشوری کاملاً مشخص و معروف است. او از بهترین نوازندگان این ساز در منطقه بجنورد بوده، ساز او زینت بخش تمام جشنها و عروسی‌های بزرگ منطقه بجنورد است. او مدت سی و پنج سال است که با «حسین بی» دایره نواز بجنوردی همکاری دارد.

حسین بی بجنوردی: حسین بی بجنوردی متولد ۱۳۱۵ در بجنورد و یارو همراه همیشگی علی آپشوری قشمه نواز بجنوردی است. بی اصلاً ترک‌زاد است. اما به کردی سخن می‌گوید و به تمام آهنگهای کردی شمال خراسان آشناست. او از بهترین نوازندگان دب (دف - دایره) به شمار می‌رود.

یحیی خان باغچقی: فرزند امیرخان از چوپانان کرد و متولد ۱۳۱۵ در روستای باغچق از توابع بجنورد است.

نی نوازی را از پدربزرگش حسقلی که از شبانان کرد بود فراگرفت. او نی را با دندان می‌نوازد و دارای سبک و شیوه مخصوص به خود است. صداهندگی، نحوه جمله‌بندی، تأکیدها و زینت‌ها و زیورهای ساز او بسیار شاخص است. او از بهترین نی نوازان شمال خراسان محسوب می‌شود.

موسیقی کردستان

اگر سنندج را به عنوان مرکز دایره تصور کنیم، کردستان عراق و ایران و ترکیه در این دایره قرار می‌گیرند. قسمت شمالی از لهجه گورانی و سورانی و مکرری و زازا شروع شده، به لهجه بادینانی در کردستان ترکیه خاتمه می‌یابد. قسمت شرقی با لهجه سندای یا

سنندجی که یک لهجه جدید چهارصدساله است، شروع شده، با لهجه بیجاری خاتمه می‌یابد. قسمت جنوب شرقی با سنندجی شروع شده، لهجه‌های بیلاقی، کلیایی و لکی را تا نزدیک اسدآباد همدان پشت سر می‌گذارد و قسمت غربی با سنندجی و اورامانی شروع شده، تا شهر زور عراق و نزدیک تی نوا تداوم می‌یابد.

در کردستان تقریباً هر ۵۰ کیلومتر لهجه‌ها به شکل کم‌رنگی از هم جدا شده، دور می‌شوند تا حدی که مناطقی که در محیط دایره مفروض قرار دارند، دارای لهجه‌های کاملاً متفاوت از یکدیگرند. شمال بادینانی، شرق با بیجاری که نزدیک به لکی است، جنوب با لکی و غرب با اورامانی یا اورامی.

در این مسیر، همان طور که لهجه‌ها تفاوت می‌یابد، آداب و رسوم و سنن نیز متفاوت می‌شود. به طور کلی، آداب و سنن و فرهنگ کردها ریشه در فرهنگ باستانی ایران و آیین اوستا دارد، به طوری که اعداد ملی - مذهبی ایران باستان از قبیل مراسم آتش افروزی نوروز و... را پس از گرویدنشان به دین اسلام و حتی مسلک‌ها و فرقه‌های تصوف و درویشی شاید بیش از نقاط دیگر ایران حفظ کرده، به آنها توجه دارند. برای مثال «اکراد اهل حق» که به «علی‌اللهی» نیز معروفند، با لهجه «لکی» تکلم می‌کنند، به تناسخ ایمان دارند، به روایتی چهل رهبر و امام دارند که مهم‌ترین آنها حضرت علی (ع) است که معتقدند روح خدا در وجود وی حلول کرده است.

بعد از وی سلطان اسحاق و بابایادگار و سلطان بیبو و غیره هستند. از جمله این چهل رهبر و بزرگ آیین اهل حق، یکی هم کاوه آهنگر است و دیگری بهلول دیوانه که معتقدند با اشاره امام موسی کاظم (ع) خود را به دیوانگی زد تا کلام حق را به دربار هارون الرشید بکشاند و روح حق را به درون آنان بدواند.

اجرای موسیقی در این فرقه با بیان اشعاری هجایی در وصف علی (ع) و فضایل انسانی او و سایر پیران و پیروان اهل حق در گردهم‌آیی‌های خود که معمولاً در مرقد پیران و اماکن اعتقادی (جمع‌خانه) برگزار می‌شود همراه است. در «جمع‌خانه» نقل و خرما و شیرینی، نذر و نیاز می‌شود و همراه نغمه تنبورها می‌خوانند و گاه گریه سر می‌دهند و بیش از هر چیز کردار نیک، پندار نیک و گفتار نیک را ارج می‌نهند.

فرقه‌های دیگر تصوف در کردستان، طریقه قادریه و طریقه نقشبندیه است که با تفاوتی در اعتقادات مذهبی، پیرو امام شافعی و شیخ عبدالقادر گیلانی هستند و خود را به حضرت علی (ع) (قادریه) و حضرت ابوبکر (نقشبندیه) منسوب می‌دانند. طریقه قادریه در شهبای سه شنبه و جمعه در نکایا و خانقاههای خود مراسم ذکر و تلبیه دارند که با موسیقی عرفانی و وطنی دف‌ها همراه است. اخیراً دف درواش در تنبور نوازی اهل حق هم رسوخ کرده، به جمع‌خانه‌ها راه یافته است. رهبران طریقت قادری و نقشبندی بجز دف و نی (شمشال) همه سازها را بر پیروان خود حرام و برخی سازهای زهی را مکروه دانسته‌اند. اخیراً از یکی از رهبران قادریه شنیده شده که مایل است از سایر سازها در خانقاه قادریه استفاده

شود.

نغمات غیردینی توسط سورنا و دهل و دوزله در مراسم ختنه سوران، عروسی و اعیاد ملی مانند نوروز اجرا می‌شود. گردهم‌آیی عامه مردم در شب‌های زمستان، معمولاً با صدای خوش صدایان محل و تق تق قهوه سینی به جای دف و تمبک گرم می‌شود. نغمه‌ها معمولاً غنایی و عاشقانه و حتی گاه توأم با شوخی و مزاح و همراه با نوعی لطیفه سرایی است و گاه خصوصیات اخلاقی فردی از اهل محل به طنز و شوخی به نظم کشیده شده، خوانده می‌شود. این اشعار معمولاً در قالب دو مصرعی ده هجایی و گاهی در قالب دو مصرعی هشت هجایی و سه مصرعی هفت هجایی است و به ندرت نغمه‌ای بر اوزان عروضی منطبق است، مگر در موسیقی شهرنشینان که دیگر سنتی نیست.

به طور خلاصه موسیقی کرد را شاید بشود از لحاظ قدمت به دو گروه تقسیم کرد:

اول موسیقی باستانی که با عناوین هوره، موره، لوره و سیاچمانه (سیاه چشمان)، چوبی و نغمه‌های سماعی - سنتی شناخته می‌شوند و عموماً بدون کلمات اضافی بر اشعار ده هجایی استوار است. نوع آیینی، مرتبه گون و وصف حال آن را «حقیقی» و نوع غنایی آن را «مجازی» می‌نامند.

نوع دوم در برگیرنده نغماتی است از قبیل: مقام صمد لچکی، مقام الله ویسی، مقام کوچه باغی، صمد مسگری و ترانه‌های ملودیکی که بر اشعار هجایی و گاه عروضی استوار است.

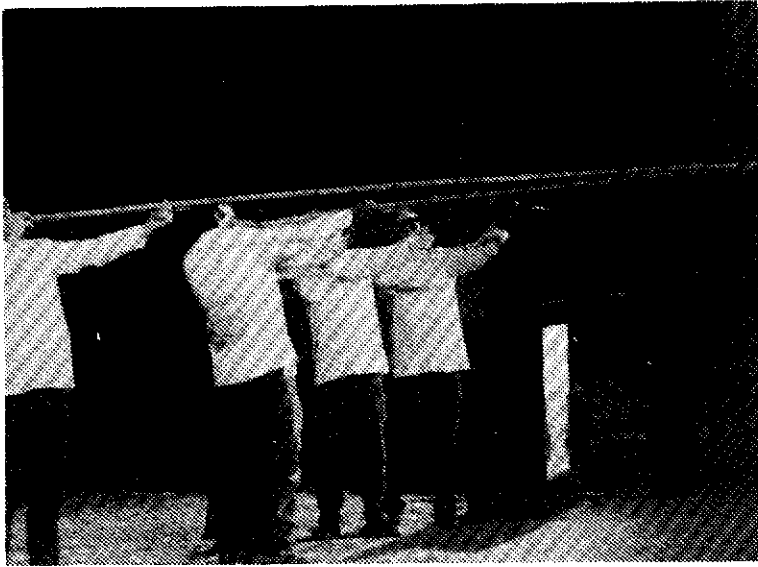
در کردستان نوع دیگری از موسیقی وجود دارد که به آن «بیت خوانی» گویند که احتمالاً مترادف «گاناخوانی» یا «گاناخوانی» است. موسیقی بیت خوانی مبتنی بر نغمه‌ای کاملاً ساده و بدون رعایت وزن و قافیه منظم در بیان جنگ سرداران و بزرگان دینی و آیینی و ملی اجرا می‌شود. نوع زیبایی از آن در میان اکراد ارومیه و ترکیه و شمال عراق یا عنوان «استرانو» یا «لاژه» وجود دارد که همراه با ساز «باغلمه» یا چگور است. در این قالب بالغ بر ۲۰۰ داستان ملی و مذهبی و حماسی و عاشقانه وجود دارد. این نوع نغمه‌پردازی را بر اساس سنگ نوشته‌های حاجی آباد، همدان و کرمانشاهان که بدون وزن و قافیه منظم است می‌توان یکی از مظاهر باستانی هنر ایران دانست.

بیت و بیت خوانی و تعریف و تمجید از بزرگان قوم تا قبل از کودتای رضاخان رواج زیاد داشت. در دوران ملوک‌الطوایفی عهد قاجار نیز هر خان، بیت خوانی در خدمت داشت که جنگها و رشادتهای خان را به نظم می‌آورد و می‌خواند. این رسم در اورامان و اطراف سنندج و کرمانشاه برخلاف مناطق مکرری کاملاً منظم و در قالب ده هجایی وجود دارد. معروفترین این ابیات، بیت: «هم‌وزن»، بیت: «لشکری»، بیت: «پاشای پنجه زرین» (پاشای لپ زرین)، بیت: «شور محمود»، بیت: «شیخ فرخ»... است که عموماً در قدیم متداول بوده‌اند.

اکراد منطقه مکرری و اکراد بادینانی به جهت همزیستی با ترکها و آشوریهها موسیقی‌شان آمیخته‌ای از هر سه فرهنگ است. موسیقی کردهای عراق از موسیقی عرب تأثیر گرفته است. اما موسیقی اورامان و



● خلقه حاج میرزا خانسری نوازنده دف و خواننده سرودهای خانقاهی



● کرنا نوازان مجاهد

کردستان مرکزی کاملاً بکر و اصیل مانده، نغمات رایج در این منطقه (اورامان - کردستان مرکزی) از اصیل ترین و باستانی ترین انواع موسیقی ایرانی است و قابلیت آن را دارد که در جهت ریشه یابی و کشف پیشینه انواع موسیقی ایرانی به جست و جوی و تفحص در موسیقی این منطقه پرداخته شود. این فرهنگ باستانی با کشیده شدن جاده ها و انتقال برق و حضور تلویزیون و... به سرعت در خطر نابودی است و جا دارد که پژوهشگران و محققین و موسیقی دانان در جهت ثبت و ردیابی این فرهنگ تا دیر نشده اقدام کنند.

موسیقی هر منطقه از کردستان را به نام قوی ترین خواننده آن منطقه که می تواند نمایانگر واقعی آن نوع موسیقی باشد، می شناسند. برای مثال، صدای «عطاءالله سعید منصور» نماینده اصیل موسیقی قبایل «مندمی» و «گلباغی» کردستان است و صدای «عثمان کیمه ای» صدای موسیقی اورامانات و صدای «علی نظر» صدای اصالت «هوره جاقی» محال باختران است.

با سورنا، دوزله و نرم نای همه نوع آهنگی نواخته می شود، خصوصاً آهنگهای رقص که با دهل، دایره یا تمبک همراهی می شود. توسط این سازها نغماتی با عناوین: حیران، گریان، فتاح، پاشایی، لیلان، زنگی، سه جار و شلان اجرا می شود.

سازهای کردستان

شمال: از قدیمی ترین و رایج ترین سازهای منطقه کردستان است. شمال درواقع نی چوپان کردستان است که از لوله فلزی ساخته می شود. بهترین فلزی که برای ساختن شمال به کار می رود، برنج است، اما معمولاً از لوله های فلزی مختلف نیز استفاده می کنند که البته صدای دلنشینی ندارند.

شمال در همه جا به کار می رود. در عروسی و شادی، همراه با آواز، به صورت تکوازی و حتی در عزا، موسیقی رقص را نیز با شمال می نوازند. استفاده از شمال در مراسم دروایش قادری عمومیت ندارد، اما اگر کسی بتواند می نوازد. در مورد ساز ضربی همراهی کننده شمال «قال مره» می گوید که از انواع سازهای ضربی مانند دهل، دف، دایره و تمبک می توان استفاده کرد؛ به شرط آن که صدای شمال پوشیده نشود.

شمال در اندازه های مختلف ساخته می شود و اندازه معمول آن تقریباً در حدود ۵۰ سانتیمتر است. شمالی که «قال مره» با آن می نوازند، برنجی است و به ۵۵ سال پیش تعلق دارد. نغمه های شمال که بجز مواردی نادر معمولاً توسط افراد عامی نواخته می شود، شامل آهنگ های الله، یا محمدالمصطفی، شیخانه ها، سحری، لشکری، سوار، غریبی و... است. شمال را بیشتر وسیله ای برای اجرای نغمات حقیقی باید دانست.

با سورنا، دوزله و نرم نای، همه نوع آهنگی نواخته می شود مخصوصاً آهنگهای رقص که با دهل، دایره یا تمبک همراهی می شود. با این سازها نغماتی با عناوین: حیران، گریان، فتاح، پاشایی، لیلان، زنگی، سه جار، شلان و... اجرا می شود.

دف نیز از سازهای رسمی خانقاه است که در مراسم ذکر نواخته می شود و گاه همراه با طاس اجرا می شود.

ترانه های محلی نیز هر کدام که دارای کلام باشند، با واژه ای که مدام به عنوان سربند تکرار می شود، نامگذاری می شوند. مانند: شیرین شیرینه، آلی له که لایزه و...

نوازندگان کردستان - سنندج

محمد بهمنی: نوازنده سورنا - دوزله و نرم نای (بالابان)، متولد ۱۳۰۴ در روستای بهمن آباد واقع در جنوب شرقی سنندج است.

از سن ۱۰ سالگی بدون استاد و راهنما شروع به یادگیری دوزله کرد و سپس توسط افرادی که به این فن آشنا بودند، «بیم خوردن» (نفس برگردان) را یاد گرفت.

از ۲۰ سالگی در کنار کشاورزی به نوازندگی پرداخت. او اکنون در کنار دکانداری به شکل حرفه ای به نوازندگی ادامه داده، از بهترین نوازندگان سازهای بادی در کردستان است.

محمد بهمنی بر تمام نغمات سازی و آوازی قدیمی کردستان تسلط کامل دارد و می توان وی را از آخرین و انگشت شمارترین هنرمندان موسیقی شادیانه کردستان دانست.

برات علی نورایی: نوازنده دهل و تمبک، متولد ۱۳۲۰ است. برادر او حسین نورایی نوازندگی دهل و

سورنا را از ابراهیم یوزباشی آموخته است. یوزباشی در دوره ناصرالدین شاه به لحاظ خبرگی در نواختن سورنا و دهل مشهور بود و هنوز هم خبرگی او زبانزد مردم است. برات علی نورایی نواختن دهل را از ابراهیم توه یوزباشی آموخته است. برادر او نیز نوازنده است.

درحال حاضر برات علی زبده ترین دهل نواز سنندج و حومه محسوب می شود. وی علاوه بر دهل، سورنا نوازی برجسته نیز هست.

یدالله نورایی: نوازنده تمبک و دایره، متولد ۱۳۳۱ است. نوازندگی را از پدرش حسین و عمویش برات آموخته است. او همچنین از صدای خوش برخوردار است. او در کنار نوازندگی به شغل خیابازی اشتغال دارد.

عثمان کیمه ای: خواننده «سیاچمانه» متولد ۱۳۱۵ در روستای کیمه منطقه «اورامان» است. در میان مردم اورامانات که صدای وی را عاشقانه دوست دارند، شایع است که عثمان در کودکی از پشت بام خانه سقوط کرد و نفس او قطع شد. او را نزد شیخ منطقه که از اولاد شیخ حسام الدین بزرگ از رهبران طریقت نقشبندیه بود، بردند. شیخ نفس در نفس عثمان دمید و از آن به بعد صدای عثمان بی نظیر شد. عثمان از بهترین خوانندگان آواز سیاچمانه است. سیاچمانه از نغمه های باستانی ایران زمین است که برای سالخوردگان و معمرین اورامانی تقدس دارد. جماعتی آن را از بقایای نغمه اورامان منسوب به یارید می دانند و جماعتی دیگر آن را از بقایای نغمات نیایشی اهورامزدا.

صدای عثمان را اکنون اگراد اورامی زبان ایران و عراق تصدیق می کنند. عثمان کیمه ای را همه مردم اورامان ایران و عراق به خوبی می شناسند و نوارهای ضبط شده خانگی او را دست به دست می گردانند. زبان اورامی را زبانشناسان، آخرین بقایای زبان مادها و گویش پهلوی می دانند. در این منطقه که مامن و مأوای شعری بزرگ کرد چون «مولوی کرده»، «خانا قبادی» و... بوده است، هنوز هم شعر به سبک و سیاق ایرانیان قدیم، به شکل هجایی و در قالب های ده هجایی دو مصرعی سروده می شود. اشعار سیاچمانه نیز در همین قالب است.

عبدالقادر عبدالله زاده ملقب به «قال مره»، لقبی که مردم کردستان به او دادند. ۷۵ ساله است و

نوازندگی شمشال را از ۷ سالگی آغاز کرده است. نوازندگی شمشال در خانواده او موروثی است. پدر و سه برادر او نیز از نوازندگان شمشال بوده‌اند. گرچه نواختن شمشال در کل منطقه کردستان رایج است، اما در اورامانات، مریوان، باخران، سنندج، بوکان و... معمولاً نوازندگان دیگر شمشال در مقابلی قال مره دست به ساز نمی‌برند. او در کل منطقه کردستان یگانه است. بسیاری از آهنگهایی را که او می‌نوازد، شمشال نوازان دیگر قادر به نواختن آنها نیستند. او می‌تواند حتی با یک انگشت نوازندگی کند. او خود می‌گوید که آهنگهایی را می‌داند که به هزاران سال پیش مربوط است.

قال مره مدعی است که قادر است هر آهنگی را که با شمشال قابل اجرا باشد، بنوازد و می‌گوید: «اگر نتوانستم می‌توانید دست مرا قطع کنید!» زندگی او اکنون تنها از طریق نوازندگی می‌گذرد. او همیشه در حال سفر و مهاجرت بوده، تقریباً هر ۴-۵ سالی را در روستایی گذرانده است تا اینکه به قادرآباد می‌رود و مدت ۲۰ سال در آنجا اقامت دارد. قال مره فرزندی ندارد و می‌گوید که امروزه دیگر کسی به نواختن شمشال تمایل ندارد. او می‌گوید: «بسی از من شمشال نیز مرده است.» قال مره بزرگ‌ترین نوازنده شمشال در کل منطقه کردستان است. صدای سازش منحصر به خود اوست و دارای سبکی بخصوص در اجرای آهنگهای کردی است. تسلط او به شمشال حیرت‌انگیز است. قال مره از طرفداران طریقت قادری است.

موسیقی کرمانشاهان

منطقه کرمانشاهان از فرهنگی کهن و اصیل برخوردار است و موسیقی در این فرهنگ، مقام‌الایی دارد. تنوع و عمق موسیقی در این منطقه به حدی است که شاید در کمتر نقطه‌ای از ایران، با آن مواجه شویم. [موسیقی کردی موسیقی خواص نیست. این موسیقی متعلق به عامه مردم است. موسیقی شادی، عزا، حماسه و معالجه است.]

انواع موسیقی در منطقه کرمانشاهان

۱. موسیقی تنبور: این نوع موسیقی خاص که فقط در این منطقه شنیده می‌شود، تفاوتی آشکار با سایر انواع موسیقی در منطقه کرمانشاهان دارد.

موسیقی تنبور مربوط به قرن‌ها پیش و قبل از ظهور اسلام است. وزن، فواصل و گردش ملودی در این موسیقی کاملاً جنبه قدیمی و باستانی دارد. بررسی دقیق این موسیقی از طریق موسیقی‌شناسان شاید به روشن شدن بسیاری از مسایل و خصوصیات ردیف کنونی موسیقی سنتی ایران کمک کند.

موسیقی تنبور را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم کرد:

الف) کلام، که بالغ بر هفتاد و دو مقام است و اغلب دارای اوزان فراخ هستند.

ب) مقامهای مجلسی، که حالت آوازی دارند، در اصطلاح به برخی از مقدمات مجلسی هوره گفته می‌شود.

ج) مجازی، این نوع موسیقی از نظر مقام و مرتبه پایین‌تر از دو نوع یادشده است و از نظر قدمت، انواع موسیقی تنبور به ترتیب شامل کلام، مقامهای مجلسی و سوم مجازی است. اسامی برخی از نغمات تنبور که همگی فارسی خالص بوده، به اسامی امروز کمتر

شباهت دارد و بشرح زیر است:

طرز

سه نوع «طرز» رایج است: طرز مجنونی، طرز رزمی یا طرز رستم و طرز کلام. سحری، قطار، ساقی نامه، خان امیری، ساروخانی، هجرانی، جلوشاهی، سماع، چپی، شان‌حمه‌کی، سوارسوار، جنگه‌را، کولی کوت، بایه‌بایه، گله‌وه‌دره و...

در کرمانشاه به طور کلی حوزه رواج تنبور به دو منطقه تقسیم می‌شود:

۱- حوزه گوران ۲- حوزه صحنه

۲. هوره: هوره شاید قدیمی‌ترین و باستانی‌ترین آواز ایرانی باشد. هوره از ریتم آزاد پیروی می‌کند، این نوع آواز بیشتر در مناطق گوران، سنجایی، قلخانی و کلهر (از توابع استان کرمانشاهان) مرسوم است.

بعضی از مقامهای هوره عبارتند از: بان‌بنه‌ای، بنیری‌چر، دودنگی، باریه، غریبی، ساروخانی، گل و دره، پامووری، قطار، هجرانی، مجنونی، سحری، طرز رستم و هی‌لاوه.

از انواع دیگر «هوره»، لالایی مادران و نیز هوره مخصوص دوشیدن احشام و یا مشک‌زنی است. با ظهور تصوف در نقاط کردنشین، اهل سنت و جماعت، در اویش قادریه، «هوره» را با جذب و حالت گریه و استغانه به گونه‌ای خاص می‌خواندند و به آن رنگی عرفانی دادند که به سوز معروف است. هوره را در جنگ نیز جنگجویان کرد می‌خوانده‌اند.

۳. سیاه چمانه: سیاه چمانه نیز مانند هوره از انواع بسیار قدیمی و باستانی کرمانشاهان است. سیاه چمانه بیشتر در منطقه پاوه و اورامانات مرسوم است. اشعاری که در این نوع آواز استفاده می‌شود، تماماً به لهجه اورامی است. این آواز دارای تحریرها و حالات مخصوصی است که اجرای آن تنها از عهده خوانندگان بومی و بسیار کارآموزده ساخته است.

[سیاه چمانه با هلله و شادی همراه نبوده، بسیار غم‌انگیز است. با ظهور تصوف و رواج طریقه نقشبندی در اورامان و جوانرود، سیاه چمانه جنبه عرفانی یافت و همانطور که در اویش قادریه، هوره را رنگ درویشانه دادند، صوفیان نقشبندی نیز سیاه چمانه را چهره‌ای صوفیانه بخشیدند که در خانقاه‌ها و مراسم ختم توسط صوفیان خوش صدا خوانده می‌شود که آن را «شیخانه» گویند.]

۴. بیت خوانی (گورانی): بیت خوانی نیز از انواع باستانی موسیقی ایران به شمار می‌رود [گورانی از الحان بهاری است که به هنگام دمیدن سبزه و گل در مراسم عروسی و شادمانی... اجرا می‌شود].

بیت خوانی (گورانی) دارای ریتم مشخص است و خوانندگان بیت خود را با زدن کف همراهی می‌کنند. در مناطق گوران و جوانرود بیت را با شمشال، در منطقه کلیایی با دف و یا دودزله و ضرب همراهی می‌کنند. در بعضی مناطق، گورانی بدون همراهی ساز و تنها و با همراهی دست اجرا می‌شود.

۵. موسیقی رقص: رقص کردی به مثابه‌ترین دلآوری و رزم است که با تفتن آمیخته شده است. در تمام ریتیمهای رقص کردی، حالتی از همداستانی و یگانگی و بدن سازی وجود دارد. در بیشتر گونه‌های رقص کردی، دستهای رقصندگان در هم گره می‌خورد و گاه‌ها همواره در یک مسیر حرکت می‌کنند و چنان متوازن است که به رژه می‌ماند.

رقصهای کردی در کرمانشاهان به قرار زیر است: چپی، لرزانه، فتاح پاشایی، خانمیری، قلابی، گریانه، سه‌جارو... ریتم این رقصها اغلب در قالبهای دوتایی (ساده و ترکیبی) و هفت تایی است. موسیقی رقص توسط سازهای سورنا و دهل و دوزله و گاه شمشال نواخته می‌شود.

سازهای متداول در منطقه کرمانشاهان

۱. تنبور: فارابی در کتاب «موسیقی کبیر» از دو نوع تنبور نام می‌برد: تنبور خراسانی و تنبور بغدادی. تنبور، سازی مضربایی است با کاسه‌ای بیضی شکل و بزرگتر از سه تا ۱۲ - ۱۳ پرده و دو سیم. حدود صوتی این ساز یک اکتاو است. در پرده بندی تنبور فواصل کوچکتر از نیم پرده وجود ندارد. کوکهای متداول تنبور دو گونه است: در گونه اول نسبت دو سیم، فاصله چهارم است و در گونه دوم نسبت دو سیم، فاصله پنجم است. برای به صدا در آوردن تنبور معمولاً از چهار انگشت دست راست و به ندرت از پنج انگشت استفاده می‌شود. تنبور در منطقه کرمانشاه سازی قابل احترام و تقریباً مقدس است. نوازنده قبل و بعد از نوازندگی آن را با احترام تمام می‌بوسد. جنس کاسه و صفحه آن معمولاً از چوب توت و دسته آن را معمولاً از چوب زردآلو می‌سازند.

۲. دف: دف نیز در کردستان مانند تنبور از حرمتی خاص برخوردار است. گرچه این ساز در منطقه کرمانشاهان نیز رایج است، اما در استان کردستان از گستردگی بیشتری برخوردار است.

۳. سورنا: سورنا که در کرمانشاه به آن ساز گفته می‌شود، از جمله سازهای بادی منطقه کرمانشاه است که هم در عروسیها و هم در عزا از آن استفاده می‌شود. یا سورنا علاوه بر مقامات رقص محلی کردی، آهنگهای دیگری نیز مانند سحری، سوار سوار و چمری با آن نواخته می‌شود.

۴. دوزله (دوئی): از این ساز بیشتر در مراسم عروسی استفاده می‌شود. از دوزله در مراسم عزا و بیت خوانی نیز استفاده می‌شود. جنس آن از نی است که به طور مضاعف بهم بسته می‌شود. طول آن در حدود ۲۰ سانتیمتر است.

۵. شمشال: شمشال نیز از جمله سازهای بادی است که در مناطق کردنشین رایج بوده، ساز مخصوص چوپانان است.

۶. نرمة نی: نرمة نی همان بالابان ترکی و دودوک ارمنه است. استفاده از این ساز در کرمانشاه به نسبت کردستان کمتر است. بدنه آن چوبی و دارای قمیshi بهن و بزرگ از جنس نی است. شکل و اندازه قمیsh این ساز برخلاف سرنا امکان ایجاد صداهای بسیار ضعیف (p-pp) را به این ساز داده است.

۷. دهل: از سازهای کوبی دوطرفه در کرمانشاه است که معمولاً همراهی کننده سورنا است. دهل را با گرز و ترکه می‌نوازند.

۸. طاس (طبل جنگ): از سازهای کوبی منطقه کرمانشاه است با دو کاسه فلزی. دهانه بالایی که پوست کشیده می‌شود، نسبت به دهانه پایینی کمی گشادتر است و با دو تکه چرم مقاوم به روی آن می‌کوبند. در قدیم عشایر آن را بر پشت اسب می‌بسته‌اند و به هنگام جنگ می‌نواخته‌اند. نوع دیگر طاس که کمی بزرگتر است در خانقاه به همراهی دف نواخته می‌شود.

هنرمندان موسیقی کرمانشاهان

استاد اعظم مهنوی: استاد اعظم مهنوی توت شامی فرزند مرحوم استاد تراب مهنوی و نوه مرحوم استاد سرخاب توت شامی است. استاد سرخاب توتشامی در حدود ۱۱۰ سال پیش از جانب سید حیدر گوران به تبریز رفت و در آنجا خانقاه اهل حق رادایر کرد.

اعظم مهنوی در سال ۱۳۰۰ شمسی در روستای توت شامی گوران از توابع کرمانشاه متولد شد. خانواده او همه اهل فضل و هنر بودند. پدرش تنبورا استادانه می نواخت. عمویش مرحوم کادار مهنوی استاد مسلم تنبور بود و از صوتی دلنشین برخوردار بود و از کودکی تحت نظر این اساتید و بزرگان، تنبورا آموخت و اکنون از بزرگترین تنبورنوازان معاصر است. او همچنین توانسته است شاگردان بسیاری تربیت کند.

نام خاص صیادی: فرزند حسن، در سال ۱۳۲۹ در منطقه گوران کرمانشاه متولد شد. برادر بزرگ او علو ویس از نوازندگان معروف سرنا در منطقه مذکور است و او دهل نوازی را از برادر بزرگش علی ویس آموخت. او از نوازندگان بی نظیر دهل در کرمانشاه است، او تکنیکهای مخصوصی در نواختن دهل دارد.

علی کریمی نژاد معروف به حاجی طوطی: در سال ۱۲۹۹ شمسی در روستای گل و دره سنجایی از توابع کرمانشاه متولد شد. از نوجوانی دریافت که دارای صدایی خوش و دلنشین است. او نزد مرحوم داراخان که از خوانندگان معروف هوره و گورانی بود، این فن را فرا گرفت. امروزه در منطقه کرمانشاهان کسی را نمی توان یافت که مانند او در خواندن هوره سرآمد باشد.

استاد تصور محمدی: فرزند فتح الله، در سال ۱۳۰۵ در منطقه قلخانی گوران متولد شد. او می گوید که در سن ۱۲ سالگی حضرت مولا علی (ع) را در خواب می بیند... او اکنون در نوازندگی سرنا، دوزله و شمشال استادی چیره دست است.

استاد علی اکبر مرادی (نوازنده تنبور): در سال ۱۳۳۶ در گوران کرمانشاه متولد شد. نواختن تنبورا از هفت سالگی آغاز کرد و در این راه از محضر استادانی چون علی میردرویشی، سیددوبی حسینی، سید محمود حلبی و سید مهدی کفایشان استفاده کرد. ایشان از سال ۱۳۵۱ از محضر استاد کیخسرو پورناظری در زمینه نواختن تار موسیقی سنتی و نیز مسایل نظری موسیقی بهره گرفته است. از سال ۱۳۵۸ در گروه تنبورنوازان شمس به سرپرستی استاد پورناظری به عنوان تکنواز پرداخته است. او در عین جوانی یکی از مبرزترین نوازندگان تنبور در منطقه

کرمانشاه است. ساز او دارای ویژگیهایی است که او را از تنبورنوازان با سابقه متمایز می کند. یکی از ویژگیهای نوازندگی ریزهای چپ و راست اوست که منحصر به فرد است و جزو شیوه مرادی محسوب می شود.

سید ناصر یادگاری: فرزند مرحوم سید سلمان در سال ۱۳۲۰ در روستای تپه گله گوران از توابع کرمانشاه متولد شد. خانواده او همه اهل تنبور بودند. عمویش مرحوم سید فتح، تنبورا استادانه می نواخت. تنبورا را از عمویش آموخت. او علاوه بر نواختن استادانه تنبور از صدایی دلنشین برخوردار است.



● استاد سید ناصر یادگاری

کرنا نوازی اغلب به شکل گروهی انجام می شود و گروه معمولاً متشکل از ۱۰ کرناچی است. یک نفر سر کرناچی (سرگروه) است و بقیه را واگیر (واخوان) نامند. سرگروه مطلب را شروع می کند و بقیه دنبال آن را می گیرند و جواب می دهند. عمل سر کرناچی را کلام زدن می گویند و کار بقیه گروه را «واگرفتن». «سر کرناچی» باید بداند که برای چه شیئی و یا چه مراسمی چه کلامی را باید اجرا کند. سر کرناچی و نیز سایر کرنا نوازان ظاهراً باید اشعار مذهبی را خوب بدانند تا بتوانند کرنا را بنوازند. سر کرناچی و سایر نوازندگان اشعار را در ذهن خود می خوانند ریتم اشعار همراه با دو صدا (اغلب فاصله چهارم) و گاه با یک صدای میانی، نغمات کرنا را تشکیل می دهد. چگونگی به کارگیری این دو صدا و نحوه انتخاب آنها به چگونگی هجاها و مبنای شعر بستگی دارد. اشعار را تنها کرناچی ها می فهمند و عامه مردم غیر از آنها نمی فهمند. کرنا یا مراسم کرنا آشنایی دارند، نمی فهمند.

ساز گیلان

کرنا یا گیلان: جنس بدنه کرنا از نی است که برای استحکام بیشتر آن پوششی از بریده های بلندی روی بدنه آن با بند بسته می شود. نی کرنا، نی آبی است که به آن کرلوله و یا ازیت لوله می گویند. طول آن متفاوت و بین ۲ تا ۴ متر و گاهی بیشتر است. سر عصایی شکل کرنا از جنس کدو است که به آن کدونی می گویند.

کرنی گل نیز یک قسمت رابط است از جنس کدو که «کدونی» را به «کرلوله» وصل می کند. سر ساز را کرنی پیشه می گویند. «کرنی پیشه» معمولاً از جنس چوب است که به شکل بخصوصی خراطی شده است. نحوه دمیدن در کرنا مشابه نحوه دمیدن در سازهای بادی برنجی است، منتهی به علت شکل بخصوص و بدوی سر ساز، بسیار مشکلتر است.

ساختمان کرنا به گونه ای است که روی بدنه آن سوراخی تعبیه نشده است. خروج صدا از کرنا توأم با فشار خیلی زیاد است. صدا دهندگی کرنا از قانون لوله های صوتی تبعیت کرده، دو صدا با یک فاصله چهارم از آن قابل اخذ است. ایجاد صدای سوم بستگی به قدرت و تبحر نوازنده دارد.

هنرمندان کرنا نواز گیلان:

استاد نادر حاجی پور: فرزند عباس، متولد ۱۳۱۹، نوازنده کرنا ساکن روستای ماشک لشت نشاء است و مدت ۲۵ سال سابقه نوازندگی کرنا دارد. نادر حاجی پور سر کرناچی گروه است و تا به حال در چند برنامه مختلف هنری شرکت کرده است.

جواد حسین پور: فرزند غلامعلی، متولد ۱۳۲۰، نوازنده کرنا، ساکن روستای ماشک - لشت نشاء است و مدت سی و پنج سال سابقه نوازندگی کرنا دارد.

حسین رضاپور: فرزند شعبان، متولد ۱۳۲۷، نوازنده کرنا، ساکن روستای ماشک - لشت نشاء است و مدت ده سال سابقه نوازندگی کرنا دارد.

قربانعلی غلامی پسنند: فرزند حسین، متولد ۱۳۲۰، نوازنده کرنا است و مدت بیست سال سابقه نوازندگی کرنا دارد.

رحمانعلی رحمانی: متولد ۱۳۳۱، نوازنده کرنا است و مدت ده سال سابقه نوازندگی دارد.

او مقامهای تنبور کرمانشاهان را به شیوه خاص و در عین حال اصیل می خواند، بدان حد که گوش گویند نغمات باستانی ایران را می شنود.

سید ایاز قزوینه ای: نوازنده تنبور، فرزند سید طهماسب و متولد ۱۲۸۷، در روستای قزوینه از توابع کنگاور است. نوازندگی تنبور در خانواده وی موروثی است. پدر و اجدادش از نوازندگان خوب تنبور به شمار می رفته اند. از این روی می توان گفت آهنگهایی که می نوازند بازمانده اصیل ترین آهنگهای کردی و یادگاری از روزگاران کهن است. سید ایاز نواختن تنبورا در محضر برادر بزرگش و همچنین در محضر یکی از عارفان کرد به نام سید نصرالدین جیحون آبادی و نیز آقای سید بابا حسینی فرا گرفت، طولی نکشید که وی در زمره نوازندگان ممتاز تنبور قرار گرفت. سید ایاز قزوینه ای خود به ابداع نوعی آهنگ طرز پرداخته که در نوع خود یگانه است. ایشان هم اکنون در «صحنه» ساکن اند.

آقا سید امراالله شاه ابراهیمی: فرزند شادروان آقا سید لطف الله شاه ابراهیمی، نوازنده بزرگ تنبور حقانی در حوزه «صحنه» است. وی از بزرگترین نوازندگان تنبور در کرمانشاهان بوده، سالهاست که با همت خود به تعلیم و تربیت شاگردان بسیاری همت گماشته است و با همت ایشان بود که این ساز در جامعه امروز ایران بیش از پیش معرفی و شناخته شد.

آقا سید امراالله شاه ابراهیمی به همت خود و برای نخستین بار در ۱۳۵۳ گروه تنبورنوازان را متشکل از شاگردانشان در صحنه تشکیل داد. این گروه در ۱۳۵۴ به همراهی آقای شاه ابراهیمی نخستین گروه نوازی تنبورا در تالار رودکی (سابق) به روی صحنه آورد. چندی بعد این گروه قطعاتی از آقای شاه ابراهیمی را همراه با غزلیاتی از مولانا و عراقی در اصفهان به اجرا درآورد.

موسیقی گیلان

کرنا نوازی در گیلان:

در قدیم از کرنا به عنوان وسیله خبررسانی استفاده می شده است، اما کاربرد اصلی کرنا در قدیم و نیز امروز در مراسم سوگواری است. مراسم سوگواری محرم، عزای شخصی و سایر مراسم سوگواری و نیز تزیین.

ادب نامه

تلفنی آگهی می پذیرد

۳۱۱۱۲۱۵ - ۳۱۱۵۰۸۶

۳۲۸۳۵۰



مجتمع آموزشی وزیری

برای اولین بار با پشتوانه علمی و همکاری اساتید بنام دانشگاههای تهران، آزاد و تربیت معلم اقدام به برگزاری کلاسهای ویژه کنکور. «فوق لیسانس» نموده لذا داوطلبین ثبت نام با یکی از شماره های ذیل تماس حاصل نمایند

۸۸۹۸۴۳۵-۷۶۲۴۹۰-۴۰۷۳۸۰۱



مؤسسه آموزشی رهنمای دانش

کتاب و نوار

زبانهای زنده دنیارادر مدتی کوتاه با هزینه مناسب با استفاده از جدیدترین دوره های کتاب و نوار این مؤسسه در منزل فراگیرید داوطلبان شهرستانها با ذکر مشخصات تحصیلات خود مکاتبه فرمائید. دکتر فاطمی ساختمان ۲۹ طبقه ششم کدپستی ۱۴۳۱۶ تلفن ۶۲۸۶۳۱-۶۴۳۰۷۹۰

کلاس موسیقی سنتی فرزانه
کرج-تلفن ۳۰۲۲۹

آموزشگاه علمی آزاد دخترانه



گنگور عمومی . ریاضی . تجرلی . اقتصاد
رنگد رس پایه تا گنگور مرحله اول مرحله دوم
ثبت نام میکند

سنا، خیابان نصیر، پلاک ۱۵۰، تهران
تلفن: ۶۴۰۴۲۶۰ - ۶۴۰۵۱۸۰

قائم

آموزشگاه آزاد دخترانه
تکدرس اول تا چهارم
نهمین کنگور نوبتی
تهران نو بعد از ۳۰ متری
نارمک ایستگاه بلال حبشی

ضمناً دبستان غیر انتفاعی پسرانه قائم از کلاس اول تا پنجم صبحها ثبت نام میکند

پیانو آکبند

مدل ۹۲
با گارانتی و خدمات بعد از فروش
در رنگها و مدلهای مختلف
۷۴۲۱۳۳۸ - ۷۶۰۲۷۲

شرکت کتاب و نوار

زیان سرا

آموزشگاههای زبان، مهدکودکها
و علاقه مندان به فراگیری زبان
جدیدترین دوره های آموزش زبانهای زنده دنیا با نوار
تهران - خیابان انقلاب اول وصال شیرازی پلاک ۲۷
تلفن: ۶۴۶۲۶۱۲

منتشر شده:

چاپ چهارم



شاهنامه فردوسی

به تصحیح زولمول

قیمت دوره ۴ جلدی
زرکوب: ۱۲۰۰ تومان

انتشار چاپ جدید این کتاب، که مدتی نایاب بود، به اطلاع علاقمندان و کسانی که پیش خرید کرده اند می‌رسد.

خواستاران این کتاب در شهرستانها می‌توانند بهای کتاب را به حساب ۴۹۶/۱۱ بانک مرکزی واریز کنند (از همه شعب بانکهای ملی می‌توان به این حساب حواله کرد) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده زیر به نشانی دفتر مرکزی شرکت ارسال دارند تا کتاب با پست سفارشی برای آنها فرستاده شود (هزینه بسته بندی و ارسال کتاب به همه شهرستانها بر عهده شرکت است).

اینجانب نشانی:
..... کدپستی
با ارسال فیش بانکی شماره تلفن:
ریال درخواست به مبلغ
می‌کنم نسبت به ارسال کتاب اقدام فرمایید.



انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهامی)

دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان افریقا، چهار راه شهید حقانی، کوچه کمان، شماره ۴؛

تلفن: ۶۸۴۵۶۹-۷۰ صندوق پستی: ۱۵۱۷۵-۳۶۶

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، جنب دبیرخانه دانشگاه تهران



انتشارات راد منتشر کرد

اولین کتاب مرجع و تخصصی در زمینه گرافیک و نقاشی بوسترهای فیلمهای ایرانی
به دو زبان فارسی و انگلیسی
(از ۱۳۰۵ تا ۱۳۷۱)

پوسترهای هنر اسلامی

تالیف: مسعود مهربانی

برای نخستین بار، توام با بررسی تحلیلی، تاریخی و سیر تکوین هنری این رشته
همراه با دو مقدمه دیگر از آیدین آغداشلو و مرتضی ممیز



پخش از: موسسه گسترش
فرهنگ و مطالعات

تلفن پخش:

۸۵۹۵۱۴ - ۸۴۵۱۸۲

با ۱۲۰ پوستر

چهار رنگ

فیلمهای ایرانی

فروش:

در کتابفروشی‌های معتبر